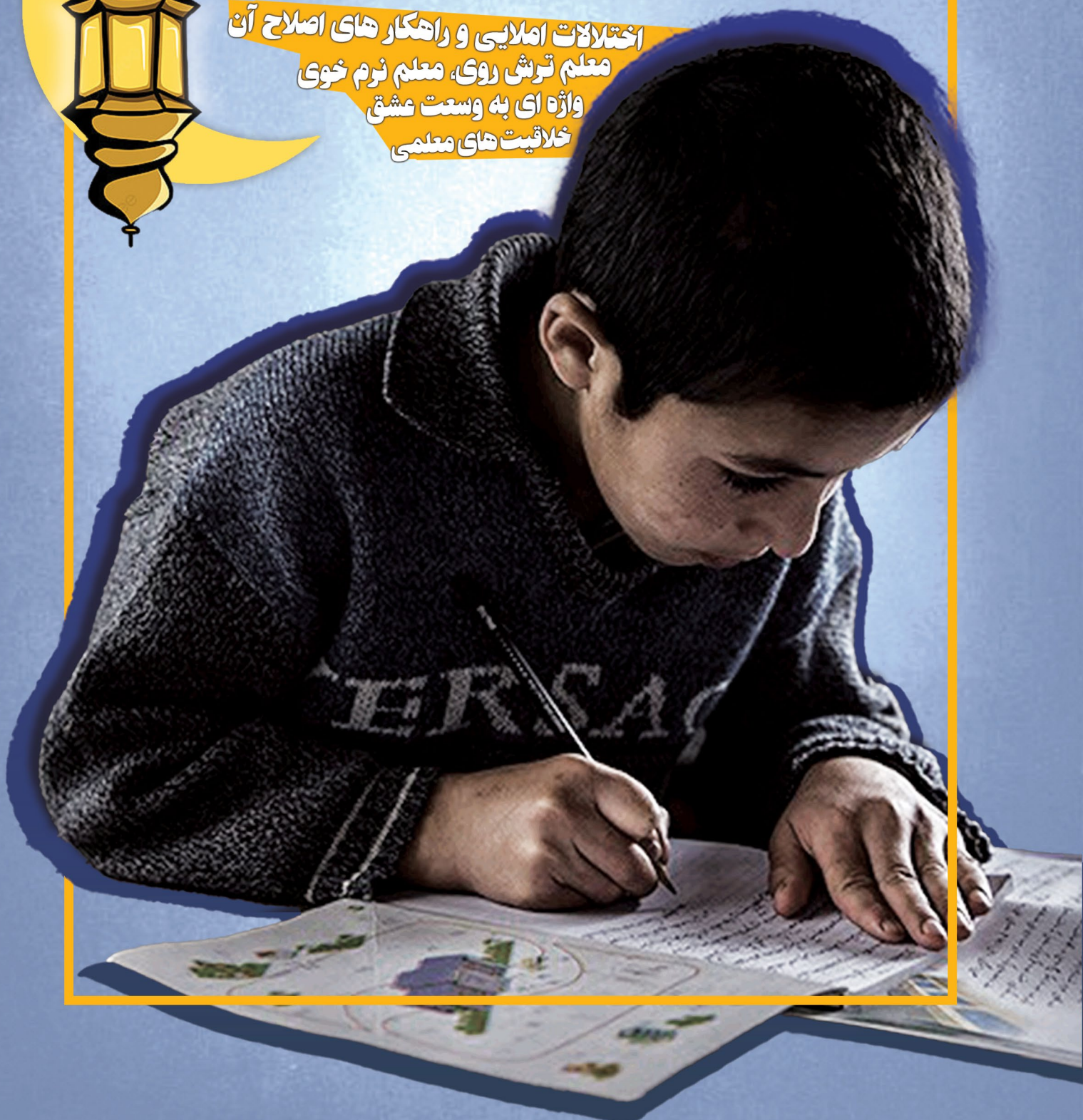


تربیت

نشریه تربیت
شماره دوم
بهار ۱۴۰۱



اختلالات املائی و راهکار های اصلاح آن
معلم ترش روی، معلم نرم خوی
واژه ای به وسعت عشق
خلاقیت های معلمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باید تکریم معلم و حرفه‌ی تعلیم
در جامعه‌ی ما همگانی بشود،
همه افتخار کنند به معلم بودن،
همه افتخار کنند به اینکه به معلم
سلام میکنند، احترام میکنند.



بیانات رهبر انقلاب
در دیدار معلمان و فرهنگیان با رهبر انقلاب
۱۳۹۳/۰۲/۱۷

نشریه تربیت | شماره دوم | بهار ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: انجمن علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد

مدیر مسئول: علیرضا عرب

سر دبیر: حسین جعفری محمد آبادی

هیئت تحریریه:

فائزه سلطانیان، مریم قیصری، فاطمه ابن علی، فاطمه سادات
هل اتایی، زهرا فخارزاده، نیما فرهنگیان، علی بابایی، حسین
علی نژادان، نیما القاسی، مسعود هاشمی، سیدنیما موسوی،
رضا صباحی، سیداحمد عبداللہی، حسین جعفری

گروه ویراستاری:

فاطمه ابن علی (سرپرست گروه ویراستاری)، زهرا فخارزاده،
زهرا سورانی

گروه طراح و گرافیک:

محمدحسین صیادی (سرپرست گروه طراحی گرافیک)،
محمد رضا کیوانی، محمدحسین دانشمند

گروه روابط عمومی:

زهرا فخارزاده (سرپرست گروه روابط عمومی)، فائزه
سلطانیان، مریم قیصری

گوینده: محمدرضا اقبالی

تنظیم کننده صدا: محمدرضا کیوانی



t.me/ tarbiat_mag



instagram.com/ tarbiat_mag

- ۱ | منش معلمی کامل
- ۳ | ویل اسمیت یا معلم حرفه ای
- ۵ | معلم ترش روی، معلم نرم خوی
- ۷ | اختلالات املائی و راهکارهای اصلاح آن
- ۹ | نقش تکنولوژی در آموزش و تربیت
- ۱۱ | هنر بیان
- ۱۲ | ارتباط کلامی و غیر کلامی
- ۱۳ | واژه ای به وسعت عشق
- ۱۴ | خلاقیت های معلمی
- ۱۵ | مدیر مدرسه
- ۱۶ | بررسی تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر آموزش
- ۱۷ | هیجان و مدیریت آن
- ۱۹ | اندر احوالات شهر

سخن مدیر مسئول

سلام و ادب خدمت مخاطبان گرامی نشریه تربیت،
سپاس از مشارکت و همراهی شما اعزه گرامی که همواره ما را در
پیشبرد اهداف عالیه یاری نموده اید. امیدوارم مطالعه هر جمله این
اثر منحصر بفرد، باعث علاقه و انگیزه هرچه بیشتر مخاطبان عزیز
بشود.
لازم است که با تمام وجود از همکاران ساعی، متفکر و خلاق این
مجموعه تربیتی، خالصانه تقدیر و تشکر نمایم و برای همه عزیزان
آرزوی موفقیت و سربلندی دارم.

علیرضا عرب



سخن سردبیر

به نام خداوند علم و قلم
سپاس بیکران پروردگار یکتا را که هستیمان بخشید، به طریق علم و
دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان
نمود. در بیان اهمیت علم و دانش همین بس که امیرالمومنین امام
علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس در حال طلب دانش مرگش فرا
رسد، میان او و پیامبران تنها یک درجه تفاوت باشد.» اکنون ما در
دومین شماره از نشریه علمی پژوهشی تربیت، مفتخریم که با مطالبی
ارزشمند و مفید و به طور ویژه به مناسبت روز معلم به دیدار شما
همراهان گرامی آمده‌ایم.
در پایان بر خود لازم می‌دانم از تمامی همکاران توانمند و خلاقم که
در این شماره از نشریه همراه و یاور ما بودند، صمیمانه تقدیر و تشکر
به عمل آورم.

حسین جعفری محمدآبادی



منش معلمی کامل

فاطمه سادات هل اتایی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز امام خمینی (ره) کاشان

علمای حقیقی اسلام، الگوی علم و تقوا هستند و تاثیر اخلاق اسلامی آنها در اعمال و رفتارشان مشهود است و این اخلاق بر شیوه تعلیم و تربیت آنان نیز موثر است و به همین علت شیوه آنان می تواند الگویی برای همه معلمان باشد. استاد شهید مرتضی مطهری عالمی مسلمان و معلمی کامل بوده و تدریس را به عنوان عبادت و وظیفه دینی انجام می داده است و ما اکنون به بررسی برخی از روش های تدریس ایشان می پردازیم. باشد که ادامه دهنده راه او باشیم:



عبادت دانستن معلمی

در اسلام، عبادت تنها به رکوع و سجود محدود نمی شود و معنای گسترده تری دارد: هرگونه عملی که به قصد قربت و شیوه صحیح آن انجام پذیرد، عبادت نام دارد. بدین منظور پرستش پرودگار می تواند در تمامی جنبه های زندگی اعم از تعلیم و تربیت نمود کند و به آنها رنگی زیبا و الهی بخشد. شهید مطهری نمونه بارز این زمینه است که تدریس خود را نوعی عبادت تلقی می کردند و هر زمان که تدریس درسی را ضروری می یافتند به کم و کیف افراد و چون و چند جلسه درس مقید نبوده و هر جا میسر بود، درس را آغاز می کردند.

ویژگی های علمی و روشی

- **تسلط:** طبق صحبت شاگردان استاد، ایشان به موضوع بحث، تسلط علمی داشته و خود کاملاً آن را فهمیده بودند و به همین علت هیچ گاه در پاسخگویی به پرسش ها دچار لکنت زبان نمی شدند.

- **جذب با مطلب:** شاگردان ایشان یکی از مهم ترین تفاوت های استاد با بقیه اساتید را در این می دانستند که روش جذب ایشان با مطلب بود نه بیان صرف. به عبارت دیگر، شاگردی که پای درس ایشان می نشست، تمامی وجود استاد را می پذیرفت.

- **پیش مطالعه و تازگی:** استاد قبل از تدریس به مطالعه درس مورد نظر می پرداخت و به صورت ذهنی صحبت خود را مرتب و سازمان دهی می کرد.

همچنین استاد هرگز دست از مطالعه نمی کشید و پیوسته در موضوع مورد نظر به کتب و مجله های جدید روی می آورد تا از منظری نو بررسی کند.

- **توضیح مقدمات:** استاد در بیان مطالب درس، ابتدا به مقدمات می پرداخت تا هنگام تدریس، اشتباهاتی در ذهن شنونده شکل نگیرد و همچنین تلاش می کردند آنچه را موجب درهم ریختگی افکار می شود، نخست توضیح دهند تا هنگام درس استدلال به خوبی در ذهن یادگیرنده جا بگیرد.

- **پاسخ به سوالات:** روحیه کلی ایشان، استقبال از سوال بود و بسیار پذیرای

پرسش‌گری شاگردان خود بودند و پایه‌پای آنها تا رسیدن به پاسخ پیش می‌رفتند؛ اما اگر متوجه می‌شدند هدف پرسشگر دست‌یافتن به جنبه علمی نیست و خارج از بحث سخن می‌گوید، گاه آرام و گاه با لحنی محکم‌تر تذکر داده، بحث را به دست گرفته و ادامه می‌دادند.

- **بیان ساده:** یکی از خصوصیات برجسته او، ساده‌نویسی و ساده‌گویی بود: به عبارتی ایشان در تفهیم مطالب بسیار توانا بودند و تبحر خاصی در ساده‌کردن مفاهیم پیچیده داشتند. از شاگردان استاد نقل شده است که به آسانی و به دور از تکلف، مفاهیم سنگین را شرح داده و بعضاً شیوه بیان گذشته خود را تغییر می‌دادند و از مثال‌های زیاد و مناسب برای تفهیم مطالب و حکایات شیرین برای رفع خستگی شنونده بهره می‌بردند.

- **بیان مسائل کاربردی:** از دیگر ویژگی‌های او، ارتباط‌دادن مطالب در حال تدریس با موضوعات زمانه بود. در واقع وی پیوسته با مسائل تازه ارتباط داشت و تدریس او از این ویژگی دور نماند، به گونه‌ای که دانش‌آموختگان کلاس او به روشنی توانایی به‌کار بستن درس در مسائل زندگی را داشتند و این بر جذابیت جلسات درس او می‌افزود.

ویژگی‌های اخلاقی

- **با وضو بودن:** همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، استاد تدریس را عبادت می‌دانستند. از این‌رو همواره با وضو وارد کلاس شده و درس را با حمد و ستایش و استعانت از درگاه حق شروع کرده و با یاد او به پایان می‌رساندند.

- **تقوا داشتن:** امام علی (ع) می‌فرمایند کسی که در وجود خویش نهال تقوی بکارد، میوه‌های هدایت را از آن به دست می‌آورد.

شاگردان استاد مطهری علت رسیدن او به این حد از اخلاق و وارستگی را موکداً تقوا بیان کردند.

- **فروتنی و توجه به شاگرد:** به نقل از شاگردان، برخورد ایشان بسیار متین و محبت‌آمیز بوده و برای شاگردان احترام خاصی قائل بودند؛ تا جایی که دیگران رابطه استاد و شاگردی آنها را به برخورد دو رفیق تشبیه کردند.

معاشرت دوستانه، فروتنی و توجه به حرف شاگردان و تحقیر نکردن آنان از جمله اخلاق انسانی اوست که تاثیر زیادی بر شاگردان او داشت.

- **انصاف داشتن:** از بارزترین ویژگی‌های ایشان بود و به موجب آن، استاد روی حرف مخالفین نظر خود (هر مخالفی) کاملاً می‌اندیشید و هیچ‌گاه با روحیه استکبار حتی با مخالف‌ترین دشمنان خود برخورد نکرده و همیشه هر سخن را حتی‌الامکان، تجزیه و تحلیل کرده و به قسمت صحیح و غلط سخن جداگانه رسیدگی داشتند.

- **اصلاح اشتباهات:** به نقل از شاگردان، مرحوم مطهری با عنایت حق، هوش فوق‌العاده و جنبه علمی قوی دارا بود. بنابراین کم پیش می‌آمد که در هنگام درس اشتباه کنند اما اگر اتفاق می‌افتاد و یا شاگردان اشتباهی را یادآور می‌شدند، می‌پذیرفتند و اصولاً در مقابل حق خاضع بوده و مطلب را به زور تحمیل نمی‌کردند.

راهش سبز و یادش پرتکرار



ویل اسمیت یا معلم حرفه‌ای؟

فائزه سلطانیان
دانشجوی علوم تربیتی مرکز امام خمینی «ره» کاشان



در نبود و چهارمین مراسم اسکار
هنگامی که کریسی راک از
مجریان مراسم روی صحنه در
حال صحبت بود، با جادا
(همسر ویل اسمیت) شوخی کرد.
ویل اسمیت، بخاطر این شوخی
عصبانی شد و به دنبال آن سیلی
محکمی به صورت مجری زد!

به همسرش، یاد کردند. در اینجا به این بحث پرداخته نشده است که درستی یا غلطی دیدگاه‌ها را بررسی کند؛ اما چیزی که سر تیتل خبرهاست، سیلی‌زدن ویل اسمیت آن هم در مراسم به آن مهمی بود! نمی‌توان به طور یقین قضاوت کرد که سیلی‌زدن ویل اسمیت به مجری تنها بخاطر شوخی یا (به اصطلاح بعضی)، مسخره‌بازی مجری بود، اما می‌توان اشاره کرد بسیاری از مشکلات زندگی ما با گفت‌وگو حل می‌شود و بارها ارزش این عمل نادیده گرفته شده است؛ زیرا هنوز گفت‌وگو کردن صحیح، رواج داده نشده است. ویل اسمیت می‌توانست به جای تنبیه بدنی از گفت‌وگو برای حل سوءتفاهم‌ها و مشکلات استفاده کند. گفت‌وگو می‌تواند درمانی برای

این مراسم، در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۲۲ در آمریکا برگزار شد و طی آن، جایزه‌هایی برای شایستگی‌های هنری و فنی در صنعت فیلم به شایستگان داده شد. یکی از برندگان ویل اسمیت بود که به عنوان بهترین بازیکن نقش اول مرد، در این مراسم اعلام شد. در چند وقت اخیر بیش از هر چیزی، حاشیه‌های این مراسم در فضای مجازی غوغا کرد و نظرات متفاوت تحلیلگران زیادی را به همراه داشت. بعضی کار ویل اسمیت را ۱۰۰٪ غلط دانستند و برخی کار مجری را. بعضی با دیدگاه دیگری نگاه کردند و هیچ کدام را ۱۰۰٪ مقصر ندانستند؛ بعضی سخن مجری را شوخی‌ای بیش ندانستند اما بعضی آن را تنها مسخره‌کردن همسر ویل اسمیت دانستند. بعضی موافق سیلی‌زدن بودند و از آن به نام عشق ناب ویل اسمیت



دردهای ارتباطی باشد. همچنین، گفت‌وگو تنها حرکت زبان و لب و تکلم نیست؛ بلکه گفت‌وگو به جریان‌افتادن احساسات و فکر و منطق است. گفت‌وگو یعنی شنونده تحمل شنیدن مخالفت با حرف‌هایش را داشته باشد. گفت‌وگو می‌تواند بسیاری از سوءتفاهم‌ها و مشکلات را حل کند، بی‌آنکه عواقب ناخوشایند بعدی به همراه داشته باشد. گفت‌وگوی درست امروزه کمرنگ شده است. برای افراد سخت

است که ساعتی رو در روی هم بنشینند و در مورد موضوعی به بحث و گفت‌وگو بپردازند. در عین حال به راحتی در گوشه‌ای ساعت‌ها بی‌نتیجه و بی‌فایده در فضای مجازی و موبایل سرگردان هستند، بی‌آنکه خسته شوند. دلیل اینکه این موضوع مطرح شد، این بود که از توانمندی‌های یک معلم حرفه‌ای، اهل گفت‌وگو بودن معرفی شود.

گفت‌وگوی درستی و به‌جا! معلم باید یاد بگیرد متناسب با سن مخاطب گفت‌وگو کند؛ چه بسا مخاطب، دانش‌آموز ابتدایی یا متوسطه باشد یا والدین و کادر اداری مدرسه. او باید یاد بگیرد اگر دانش‌آموزی خطایی مرتکب شد، به تنبیه بدنی نپردازد؛ چراکه تنبیه بدنی نشان از ضعف معلم و نیز اقرار به عدم توانایی معلم در حل مشکلات دانش‌آموز است. بلکه باید در ابتدا با همان دانش‌آموز گفت‌وگو کند؛ حتی اگر دانش‌آموز بدترین اشتباه را هم انجام داد، باید فکر کند چرا این دانش‌آموز مرتکب چنین خطایی شد؟ سپس آن مسئله را ریشه‌یابی کند. شاید مشکلاتی در خانه و

خانواده‌شان وجود داشته که به دنبال آن، این دانش‌آموز را درگیر کرده و در مدرسه چنین واکنشی نسبت به وقایع نشان داده است. البته گفته نمی‌شود که فقط با گفت‌وگو کردن این مسئله حل می‌شود؛ در برخی موارد، تنبیه برای عدم تکرار خطایی لازم است اما نه تنبیه بدنی! منطقی و عقلانی نیست که با تنبیه بدنی خاطرات به مراتب بدتری از خود و به دنبال آن از مدرسه در ذهن دانش‌آموز به یادگار

گذاشته شود. افراد بسیاری هستند که حتی از دهه ۱۳۶۰ یا دهه ۱۳۷۰، اگر بخواهند خاطره‌ای از دوران مدرسه بازگو کنند، خاطره‌ای از کتک یا سیلی خوردن توسط معلمشان در ذهن تداعی می‌شود. بنابراین، تنبیه بدنی دانش‌آموزان مشکلی را حل نمی‌کند، شاید اثری کاملاً موقتی داشته باشد، اما آن

مشکل را در نطفه خفه می‌کند و ترس و اضطراب را در وجود دانش‌آموز می‌افزاید. به علاوه، ممکن است روحیه پرخاشگری را در دانش‌آموز تقویت کند. چه بسا دانش‌آموزانی که به خاطر تنبیه بدنی معلم یا مدیر و معاون از درس و مدرسه متنفر شدند. دانش‌آموزان به خصوص از زمره کودکان، معصوم‌تر از آن هستند که تنبیه بدنی شوند یا به واسطه اشتباهات ما، حس تنفر را تجربه کنند. به امید آنکه در ذهن هیچ دانش‌آموزی از سرزمینمان، خاطره تلخی از مدرسه ثبت نشود و چنانکه به مدرسه فکر کرد، چیزی جز لبخند زیبا برای خاطرات و برق شادی چشمانش، تحویل ندهد.



معلمان چه ویژگی‌های شخصیتی باید داشته باشند
و چه ویژگی‌هایی نباید داشته باشند؟

آیا رفتارشان می‌تواند بر دانش‌آموزان تاثیرگذار باشد یا
خیر؟

آیا معلم خوب و خوبی بیش از اندازه، برای کلاس
موفق‌تر و سازنده‌تر است یا یک معلم با خلق بد
و عصبی و بد رفتاری بیش از اندازه؟

فاطمه ابن علی

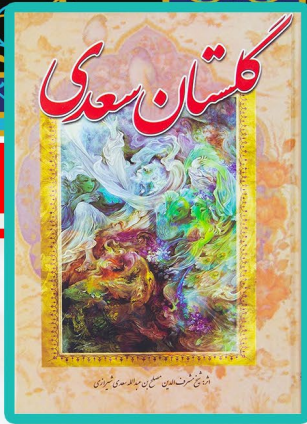
دانشجوی رشته ادبیات فارسی مرکز امام خمینی «ره» کاشان

معلم ترش روی و معلم نرم خوی از منظر سعدی

برای روشن‌تر شدن این مسئله و رسیدن به پاسخی مناسب برای این سؤالات، به شرح حکایت چهارم از باب هفتم گلستان سعدی رجوع می‌کنیم تا با کمک سخنان این شاعر بزرگ و گرامی، معلمان فرهیخته به خصوصیات اخلاقی و تأثیر آن بر رشد شخصیت دانش‌آموزان بیشتر از قبل توجه کنند و راه‌های رسیدن به کمالات بالاتر را برای افراد بگشایند. شرح به این صورت است: «در سرزمین مغرب (شمال آفریقا) در مکتب‌خانه‌ای معلّمی دیدم که بسیار خشن، ترش‌روی، تلخ‌گفتار و خسیس بود. زندگی مسلمانان با دیدار او تباه می‌گشت. قرائن قرآنش، دل مردم را سیاه می‌کرد. گروهی از پسران و دختران، به عنوان شاگرد گرفتار جفای او بودند. نه جرئت خنده داشتند و نه می‌توانستند سخن بگویند. گاهی سیلی به صورت زیبای یکی می‌زد و زمانی از ساق بلورین دیگری ویشکن می‌گرفت.

خلاصه اینکه: سرانجام عده‌ای ناشایستگی آن معلّم را آشکار نمودند و او را با کتک از مکتب‌خانه بیرون کردند و معلّم شایسته‌ای را به جای او نصب نمودند. معلّم جدید مردی خوش اخلاق، نیک‌سیرت، بردبار و خوش برخورد بود. جز هنگام ضرورت سخن نمی‌گفت، با زبانش به کسی نیش نمی‌زد و چوبی بر سر شاگرد بلند نمی‌کرد ولی هیبت معلّم از دل کودکان برفت و دیگر از معلّم ترس نداشتند و به اعتماد اینکه معلّم جدید، آنها را بازخواست نمی‌کند و کتک نمی‌زند، درس نمی‌خواندند و به بازی‌گوشی پرداخته و تخته مشق خود را بر سر و کله هم می‌زدند و می‌شکستند و مکتب‌خانه را به هرج و مرج می‌کشاندند. استاد معلّم چو بود بی‌آزار خرسک بازند کودکان در بازار دو هفته بعد از این به مکتب‌خانه عبور کردم، دیدم معلّم دوم را بر کنار کرده‌اند و همان معلّم اول را بار دیگر آورده‌اند. به‌راستی ناراحت شدم و تعجب کردم «ولا حول ولا قوه الا بالله» را بر زبان جاری ساختم که چرا بار دیگر ابلیس را معلّم فرشتگان کرده‌اند؟ پیرمردی ظریف و جهان‌دیده‌ای به من گفت:

پادشاهی پسر به مکتب داد
لوح سیمینش به کنار نهاد
بر سر لوح او نبشته به زر:
جور استاد به ز مهر پدر



۲. معلّم موفق تلاش می‌کند تا اعتماد به نفس شاگردان را افزایش دهد، چون تا دانش‌آموز اعتماد به نفس نداشته و به خودش ارزش قائل نگردد؛ هرگز در رشد و تعالی شخصیت‌اش گام‌های استواری بر نخواهد داشت. معلّم نباید به بهانه کنترل کلاس، اعتماد به نفس متعلمین را بشکند و او را در کلاس تمسخر کرده و بازیچه هم‌کلاسی‌هایش قرار دهد؛ زیرا این سرکوب‌کردن‌ها متعلم را خرد می‌کند و دیگر هیچ ارزشی به دانش و مکتب و معلّم قائل نمی‌گردد.

۳. معلم موفق بین تشویق و تنبیه توازن ایجاد می‌کند؛ چون می‌داند تشویق و علاقه‌مند ساختن دانش‌آموز برای تعلیم و تربیت شایسته، اصل است و تنبیه آخرین علاج و به منزله عملیات جراحی می‌باشد. لذا معلّم موفق نزد خودش معیارهایی وضع می‌کند که چه کارها و فعالیت‌هایی سزاوار تشویق و ترغیب‌اند و چه اشتباهاتی قابل تنبیه و چه خطاهایی موجب عفو و بخشش می‌باشند و با در نظر داشت این معیارها با دانش‌آموز تعامل می‌کند تا بعد از برخورد، پشیمان نشده و از متعلم معذرت نخواهد.

۴. معلّم موفق خوبی‌ها را آشکار نموده و بدی‌ها و عیب‌ها را می‌پوشاند تا خوبی‌ها و فضایل رشد یافته و همگانی شود و عیب‌ها و بدی‌ها را پنهان می‌کند تا در نطفه خفه شده و هرگز به بیرون سرایت نکند، تا محیط تعلیمی از لوث بدی‌ها پالایش یابد، این به معنی سهل‌انگاری نسبت به بدی‌ها نیست؛ بلکه برای این است که بدی‌ها را بدون افشاگری نابود سازد.

حال حکایت سعدی ما را به این ضرب‌المثل سوق می‌دهد: «اندازه نگه دار که اندازه نکوست.» معلّمی، شایسته تربیت دانش‌آموزان و همچنین تأثیرگذار بر زندگی آنهاست که از هر خوی و خلقی به اندازه و در جای خود و متناسب با افراد، به خوبی استفاده کند. اینکه یک معلّم بخواهد سر کلاس، فقط و فقط از جنبه‌های مثبت استفاده کند و از جنبه‌های دیگر غافل بماند، موجب می‌شود که دانش‌آموز دیگر از او و هیبتش پیروی نکند و حتی نافرمانی و سرپیچی کند، آنها گستاخ شوند و حتی دیگر به درس هم گوش ندهند و همچنین برعکس؛ اگر معلّمی بخواهد با زبان و نگاه و دستش موجب آزار و اذیت دانش‌آموزان و دیگران شود، دیگر کسی نه مطیع حرف و کارهای او می‌شود و نه اینکه سر کلاس به خوبی درس یاد می‌گیرند. تعلیم و تربیت دو بال ترقی و پیشرفت می‌باشند و بدون نظام شایسته آموزشی-تربیتی، نمی‌توان به جایگاهی از رشد و شکوفایی رسید. آموزش اساسی و زیربنایی نیازمند معلّمی است که راز و رمز تعلیم و تربیت را بداند و خودش الگوی تربیتی برای یادگیرندگان باشد و خود را به صفاتی ارزشمندی بیاراید تا بتواند بر دانش‌آموزان اثر مثبت گذاشته و نتایج مطلوبی به دست آورد. معلّمی موفق، شایسته و تأثیرگذار است که چنین ویژگی‌هایی را داشته باشد:

۱. معلّم موفق به آنچه می‌داند و به دیگران توصیه می‌کند، عمل نموده و الگوی عملی از اخلاق انسانی را به دانش‌آموزان تقدیم می‌نماید؛ چون عملکرد معلّم زیر نظر دانش‌آموز قرار دارد که اگر خدای نخواستہ خلاف گفته‌اش مرتکب عملی گردد، دیگر ارزش معلّم بودن را از دست داده و هرگز کسی به اندرزهایش گوش فرا نخواهد داد.

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد

شنیدن و خواندن وسیله ایست برای پی بردن به افکار دیگران و گفتار و نوشتن وسیله ای برای آگاه ساختن افراد از مقاصد و افکار خود است؛ بنابراین تمام کوشش هایی که در زمینه آموزش زبان در دبستان انجام می گیرد باید در جهت پرورش مهارت های چهارگانه آن یعنی شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن باشد. اما سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که چرا دانش آموزان ما در املا ضعف دارند؟ به روایتی اشکال کار در کجاست؟ معلم؟ دانش آموزان؟ و شاید هم خانواده؟ عده زیادی از دانش آموزان در نظام آموزشی ما دچار اختلالات یادگیری هستند. طبق گزارش های رسمی آموزش و پرورش ۴ تا ۱۲ درصد از دانش آموزان در هر سال اختلال یادگیری دارند. بی تردید تعداد واقعی بیش از این خواهد بود. برای مقابله با این معضلات آموزشی، هر یک از معلمان روش های خاصی را اتخاذ می کنند. برخی از این روش ها به علت علمی نبودن سبب سرخوردگی تحصیلی دانش آموزان می گردد. روش تحقیق در این پژوهش بر اساس اهداف از انواع تحقیقات کاربردی و به جهت ماهیت از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد.

تعریف املا در فرهنگ لغت املا به معنی پرکردن، مطلبی را تقریرکردن که دیگری بنویسد و مطلبی که معلم بگوید و شاگرد بنویسد و نیز طریقه نوشتن کلمات و درست نوشتن ثبت شده است. املا یا دیکته، یعنی نوشتن گفته های دیگران. پس املا فعالیت است که هدف از آن تنها صحیح نویسی نیست، بلکه نوشتن خوانا و رسای کلمه ها و دقت در مرتب و زیبا نوشتن نیز می باشد.

در دنیای پیچیده، هیچ کس بی نیاز از تعلیم و تربیت نیست. امروزه فعالیت در مدرسه و در امر آموزش، خود بخش عظیمی از زندگی انسان ها شده است.



اختلالات املا و راهکارهای اصلاح آن در دوره ابتدایی

معلم عزیزم
دوست دارم





لحظاتی را به خاطر می‌آوریم که چگونه نشستن در کلاس، گوش‌دادن به صدای یکنواخت معلم، حفظ کردن بدون فهم مطالب درسی، دلبهره و اضطراب ناشی از امتحان و سرزنش معلمان و والدین، موجب نفرت و گریز ما از کلاس درس و محیط آموزشی می‌شد. راستی چرا؟ چرا فعالیت‌های آموزشی نتوانست ما را با محیط آموزش مأنوس و به یادگیری علاقه‌مند کند؟ چرا فعالیت‌های مدرسه با تهدید و اصرار معلمان صورت می‌گرفت؟ چرا شاگردان از تعطیل‌شدن مدرسه احساس رضایت و خوشحالی می‌کردند؟ مقصّر اصلی چه کسی بود؟ معلم ناتوان و ناآگاه یا شاگرد بی‌علاقه و بی‌استعداد؟ آیا معلمان تعلیم و تربیت نتوانسته‌اند امکانات مطلوب یادگیری و زمینه‌های شکوفایی استعداد شاگردان را فراهم کنند؟ و یا انتخاب روش‌های تدریس به درستی انجام نشده است؟

آگاهی و شناخت معلم از اصول و روش‌های تعلیم و تربیت عامل مهمی است که می‌تواند او را در کار خود موفق و مؤید سازد. معلم باید قادر باشد با شناخت شاگردان و آگاهی از فرایند تدریس، نیازهای آنان را مشخص کند و با در نظر گرفتن توانایی‌های ایشان به ایجاد وضعیت مطلوب آموزش

اهتمام ورزد. روش‌های فعال آموزشی را جانشین روش‌های سنتی و معلم‌محوری نمایند. دانش‌آموزان را درگیر مسائل کاربردی و پژوهشی کنند و گاهی اوقات روش‌های مختلفی همانند به‌کاربردن فناوری اطلاعات در آموزش، روش‌های آزمایشگاهی، پروژه، پرسش و پاسخ برای تدریس به دبیران پیشنهاد می‌شود. هنوز تعداد کثیری از دبیران فقط با عناوین این روش‌های تدریس آشنایی دارند و یا اطلاعات خیلی محدودی دارند. معمولاً این اطلاعات محدود را با استفاده از مطالب پراکنده مجلات که اتفاقی به دست آنها می‌رسد، کسب کرده‌اند و هیچ‌گاه بطور جدی و عمقی با این روش‌ها آشنا نشده‌اند. کلاس‌های ضمن خدمت دبیران نیز به طور معمول آموزش مطالب تئوری و یا روش‌های آزمایشگاهی کلاسیک و سنتی است و هیچ‌گاه روش‌های فعال آموزشی، روش‌های سازماندهی کلاس و مدیریت زمان برای تدریس با روش‌های فعال، مورد توجه قرار نگرفته‌اند. چگونه از معلمی که هنوز با این روش‌ها آشنا نشده و مورد حمایت علمی قرار نگرفته است، می‌توان انتظار داشت که روشی را که نمی‌داند به کار ببرد؟



نقش تکنولوژی در آموزش و تربیت

سید نیما موسوی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد

در جهان امروز، تکنولوژی‌های جدید و نو نقش بسیار مهمی را در حوزه‌های مختلف، بازی می‌کنند. استفاده از ابزارهای پیشرفته و روش‌های نوین، سبب شده است که کارها ساده‌تر و در عین حال سریع‌تر انجام شوند. استفاده از تکنولوژی در آموزش و تربیت افراد، از دیگر مواردی است که امروزه در حال پیشرفت است. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که برخی افراد، با پیشبرد آموزش به وسیله فناوری‌های نو مخالف هستند. در ادامه، به بررسی نقش تکنولوژی در آموزش خواهیم پرداخت. با استناد به تحقیقات اخیر که در حوزه آموزش و تکنولوژی انجام شده است، حواس پنجگانه انسان (بینایی، بویایی، چشایی، شنوایی، لامسه) نقش یکسانی در یادگیری انسان ندارند. برای مثال: تأثیر حس بینایی بر ایجاد یادگیری در مغز انسان، بیشتر از حس چشایی است. البته باید به این نکته نیز توجه کرد که آموختن برخی از موارد با تمام حواس ممکن نیست و به وسیله حس خاصی انجام نمی‌شود. برای مثال: نمی‌توان با استفاده از حس شنوایی، بینایی و یا لامسه، طعم غذا را درک کرد. هدف اصلی استفاده از تکنولوژی در زمینه آموزش، درگیرکردن حواس پنجگانه انسان به طور همزمان برای یادگیری هرچه بیشتر است. هرچه در فرایند یادگیری حواس بیشتری درگیر شوند، تأثیر بیشتری بر مغز یادگیرنده می‌گذارند و مطالب به طور کامل فرا گرفته می‌شوند. امروزه، تکنولوژی‌های گوناگونی در زمینه آموزش و پرورش معرفی شده‌اند و مورد استفاده قرار می‌گیرند. نرم افزارهای طراحی سه بعدی و انیمیشن سازی و همچنین فناوری واقعیت مجازی، از مواردی هستند که با استفاده از آنها، می‌توان حواس دیداری و شنیداری یادگیرندگان را نیز درگیر کرد.



در این صورت یادگیرندگان علاوه بر اینکه مطالب را به صورت شفاهی دریافت کرده‌اند، می‌توانند رابطه پایداری با مطلب فراگرفته شده برقرار کنند. برای مثال: دانشجویان پزشکی، با مشاهده حرکات قلب که به صورت انیمیشن در آمده‌اند، درک بهتری از حرکات قلب پیدا می‌کنند. از چشمگیرترین تکنولوژی‌هایی که به تازگی در زمینه آموزشی معرفی شده است، هوش مصنوعی (AI) است که می‌تواند به دانش‌آموزان و دانشجویان در فرایندهای درسی کمک کند و مانند یک معلم است که همواره در اختیار آنها قرار دارد. این نوع از هوش مصنوعی، معمولاً در قالب ربات‌های کوچک و قابل حمل عرضه می‌شود. برخی از افراد به اشتباه تصور می‌کنند که استفاده از هوش مصنوعی سبب حذف شدن معلم از برنامه آموزشی می‌شود، اما هوش مصنوعی تنها برای یادآوری مطالب و مرور با دانش‌آموزان ایجاد شده است و نمی‌تواند جای معلم را بگیرد. طراحی بازی‌های ویدیویی (Gamification) در جهت یاد دادن مواد آموزشی به دانش‌آموزان، از زمینه‌های دیگر استفاده از تکنولوژی در حوزه آموزشی است. این نوع استفاده

از تکنولوژی در جهت آموزش، هنگامی گسترش یافت که برخی از معلمان دست به طراحی بازی‌هایی زدند که در آنها مواد آموزشی گنجانده شده بود. برای مثال: بازی‌هایی طراحی شده

است که با بازی کردن آنها، دانش‌آموزان می‌توانند درس ریاضی را سریع‌تر فرا بگیرند و حتی جدول ضرب را به راحتی بیاموزند. به طور کلی، دو نوع نگرش در مورد استفاده از تکنولوژی در زمینه آموزش وجود دارد. یکی استفاده از تکنولوژی و روش‌های سنتی به صورت همزمان و دیگری تنها استفاده از تکنولوژی در جهت آموزش. برخی از افراد معتقد هستند که استفاده از تکنولوژی به تنهایی نمی‌تواند نیازهای دانش‌آموزان را برطرف کند و نیاز است که در آموزش مطالب، تکنولوژی به عنوان یک مکمل عمل کند و آموزش سنتی در جای خود بماند. با این حال، برخی دیگر معتقد هستند تکنولوژی به اندازه‌ای در زمینه آموزشی پیشرفت کرده است که می‌توان آن را به طور کامل جایگزین آموزش سنتی کرد. به طور کلی، امروزه تکنولوژی نقش بسیار مهمی را در آموزش و تربیت ایفا می‌کند. با این وجود که استفاده از تکنولوژی در مدارس و دانشگاه‌ها مخالفان خود را دارد، اما می‌توان به جرئت بیان داشت که فناوری‌های جدید توانسته‌اند تاثیر آموزش را چندین برابر کنند و متخصصان زیادی در این زمینه فعالیت می‌کنند تا هر لحظه تجربه بهتری را در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار دهند.





نیما القاسی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد

با عرض سلام خدمت شما مخاطبان محترم نشریه تربیت؛ من نیما القاسی مجری و گوینده هستم. از این شماره با ارائه مطالب آموزشی فن بیان که یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین مهارت‌ها برای همه افراد جامعه به خصوص معلمان هست، در خدمت شما خواهم بود.

در این بخش به ده نکته اولیه و مفید برای بالابردن مهارت‌های ارتباطی در هنگام گفت‌وگو و سخنرانی اشاره خواهیم کرد:

۱. شنونده واقعی باشید و شنیده‌های خود را تجزیه و تحلیل کنید.

۲. حس همدردی را در خود تقویت کنید.

۳. مخاطبین خود را بشناسید. قبل از صحبت کردن اطلاعات کافی درباره آنها به دست بیاورید.

۴. حواس‌پرتی را کنار بگذارید و فقط در آن زمان بر روی مخاطب یا مخاطبین خود تمرکز کنید.

۵. در میان صحبت‌های خود برای اطمینان از اینکه مخاطب نیز حواسش به شما هست یا نه، سوال مطرح کنید و چندبار بپرسید.

۶. گاهی اوقات برای برقراری یک ارتباط یا شروع سخن خود می‌توانید از داستان استفاده کنید.

۷. همواره برای شروع و مدیریت گفت‌وگوهای کوتاه با دیگران، آمادگی ذهنی داشته باشید.

۸. به زبان بدن خود و دیگران دقت کنید. (در شماره‌های بعدی درباره این نکته بیشتر توضیح خواهیم داد)

۹. در مکالمات و صحبت‌های خود از بیان کلمات و عبارات غیرضروری یا نامفهوم خودداری کنید.

۱۰. مختصر و مفید باشید



آنچه یک معلم باید در مورد ارتباط کلامی و غیرکلامی بداند...

زهره فخارزاده نایینی، دانشجوی علوم تربیتی مرکز امام خمینی «ره» کاشان

مهارت‌های معلمی در ارتباط کلامی

صدای معلم رسا و دلنشین باشد. آهنگ صدا متغیّر بوده و یکنواخت نباشد. بیان معلم در سطح معلومات و فهم فراگیران باشد. صدا با موقعیت مکانی فراگیران مطابقت داشته باشد و همه آنها صدای معلم را بشنوند. (توزیع صدا)

خیلی تند یا خیلی آهسته صحبت نکند.

تکیه کلام و اصوات اضافه نداشته باشد. بیان معلم صمیمانه و دوستانه باشد. در اهمیت بیان باید گفت که یک جمله و عبارت، با دو نوع بیان تاثیر مختلف دارد. آمرانه یا دستوری سخن نگوید. مثال: بیا، بگو، بشین. بانشاط و انرژی صحبت کند. اثر روانی کلام باشور و حرارت بیش از کلام معمولی است. کلمات را درست ادا و تلفظ نماید. بیان معلم رسمی و کتابی نباشد و با فراگیران راحت و روان صحبت کند.

مهارت‌های معلمی در ارتباط غیرکلامی

معلم متبسم و با چهره‌ای گشاده باشد. رنگ لباس معلم مناسب، روشن و آرامش‌بخش باشد. نوع و اندازه لباس متعارف و مطابق با شأن معلمی باشد. کفش صدا دار نپوشد. صدای کفش او می‌تواند باعث پارازیت به‌ویژه هنگام تفکر فردی و مطالعه فراگیران در کلاس شود. فاصله فیزیکی معلم با فراگیران متعادل باشد. هر چقدر فاصله فیزیکی بین معلم با فراگیران کمتر باشد، رابطه عاطفی‌اش با دانش‌آموزان بیشتر خواهد بود؛ بنابراین وجود فضای فیزیکی در برقراری ارتباط معلم با فراگیران مؤثر است.

هر از گاهی جای خود را در کلاس تغییر بدهد و در بین فراگیران حرکت کند. تحرک و جابجایی معلم در کلاس آثار و نتایج زیر را به‌همراه دارد:

۱. موجب تمرکز حواس فراگیران می‌شود.

۲. موجب تنوع بخشی و نشاط در کلاس می‌شود.

۳. قدرت رهبری و مدیریت معلم را افزایش می‌دهد.

۴. ارتباط عاطفی معلم با فراگیران بیشتر می‌گردد.

تغییر وضعیت بدنی داشته باشد. گاهی اوقات بنشینید، بایستد و راه برود. در عین حال در هر وضعیتی حد تعادل را رعایت کند. یک مدل خاص نایستد. برای مثال دست‌ها را در پشت بدن خود و یا یک‌دست را در جیب لباسش قرار ندهد.

گاهی اوقات از رفتارهای غیرکلامی به‌عنوان «تشویق کردن» فراگیران استفاده کند. برای مثال: یک‌نگاه تأییدآمیز و یا یک لبخند.

برای اشاره به فراگیران از تمام دست خود استفاده کند نه از یک یا دو انگشت.

مکث‌های طولانی و بیش از حد نداشته باشد.

به گفته فراگیران خوب گوش کند. اگر دانش‌آموزان بفهمند که معلم به‌طور فعال و مؤثر به گفته آنها گوش می‌کند، سعی می‌کنند به معلم بفهمانند که آنها هم به درس توجه دارند و معلم باید احساس نیاز به گوش دادن را در کلاس به‌وجود آورد. گوش دادن فعال، اغلب باعث تعامل بیشتر می‌شود.

واژه‌ای به وسعت عشق...!

یادش بخیر! کوچک‌تر که بودم می‌گفتند: «تو معلّمی، درس می‌دهی و قرار است به من الفبا بیاموزی، اما ناگهان تو الفبا را به دستم دادی و چیدن حروف را به من آموختی و من سردرگم شدم که تو معلّم بودی یا معمار؟» همان روزها بود که تو را نشان دادند و گفتند معلّمی و قرار است به من مشق دهی، ولی تو با قرص دانش، چهل را از وجودم زدودی و با آنتی بیوتیک‌های روزانه‌ات، میکروب‌های فراموشی را از من دور می‌کردی و همین سرآغاز پرسشی بعدی بود، پرسشی که مدام در ذهنم تکرار می‌شد و از من می‌پرسید او معلّم است یا پزشک؟ آری به من گفتند تو معلّمی و پیشه‌ات آموختن است، اما ناگهان مرا سوار با بال‌های کتاب تا آن سوی ابرهای خیال بردی، در واقع تو معلّم بودی یا خلبان؟ پیشه‌ات چه بود؟ تویی که مرا به اعماق اقیانوس بردی، به هسته زمین رساندی، به دیدن کهکشان‌ها دعوت کردی و روی ماه و خورشید با من قدم زدی، تویی که با من از آینده و گذشته سخن گفتی، تو از کدام سرزمین بودی که هر پیشه‌ای را آموخته بودی و تنها معلّم می‌خواندند تو را؟ که بودی؟ از کجا؟

که واژه‌ای در شأن تو و سزاوار تو جز معلّم نبود، تویی که سپیدی گیسوانت حاصل هر سیاهی پاشیده شده بر دفترم بود، تویی که قامتت کمان شده بود در پس رشد نهال وجودم. چه واژه‌ای، چه شغلی و چه جایگاهی در شأن تو و مهربانیت؟ در شأن تو و جوانیت؟ تویی که در تکرار الفبای زندگی اصرار ورزیدی و با مشق آب، کویر وجودم را بارانی کردی.

مریم قیصری
دانشجوی علوم تربیتی مرکز امام خمینی «ره» کاشان





رضا صباحی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف‌آباد

معلم خود باید خلاق باشد و از امکانات موجود حداکثر بهره‌برداری را داشته باشد. آموزش دانش‌آموزان باید به جای تقویت حافظه در جهت ایجاد تفکری مولد و خلاق باشد. آنگونه که برخی افراد فکر می‌کنند معلم بودن کار آسانی نیست؛ زیرا معلم با انسان در ارتباط است، نه با شیء.

بنابراین اگر معلم بخواهد ارزش‌های انسانی را به دانش‌آموزان بیاموزد، خود باید این ارزش‌ها را دارا باشد؛ پس برای پرورش دانش‌آموز خلاق باید ابتدا به فکر پرورش معلم خلاق بود.

معلم باید رفتاری مثبت، خلاق و مناسب در برخورد با دانش‌آموز داشته باشد و بین عقاید و اندیشه‌های جدید ارتباط به وجود آورد. یک معلم خوب می‌تواند یک روانشناس خوب هم باشد. او برای شناخت نیازهای دانش‌آموزان باید از توانایی‌ها، علایق و نقاط قوت و ضعف یکایک آنها آگاه باشد.

معلم برای خلاق بودن در تدریس، قبل از هر چیز باید هدف داشته باشد. این هدف شامل داشتن تعهد به کار در محدوده فعالیت‌های خلاقیت است.

معلم باید به فرصت‌هایی که در این زمینه به وجود می‌آید، بهای بسیاری بدهد و همواره الگویی برای دانش‌آموزان باشد. یک معلم برای آموزش خلاقیت باید از هر جهت آگاهی داشته باشد و پذیرای احساسات و تجارب دیگران باشد. باید اطلاعات جدید و ارتباط مفاهیم را دریابد و در جهت پیشبرد سطح علمی و آموزشی خود مرتب کمک و تشویق شود و پیوسته به دنبال حل مسائل برآید.

معلم باید بیاموزد که مشاهده‌گر خوبی باشد و هر مشاهده‌ای برای او ایجاد سؤال کند.

معلم باید قادر باشد بین حقایق و آنچه خودش مشاهده می‌کند فرق بگذارد و در نتیجه دریابد که مشکلات احتیاج به راه حل دارند.

معلم باید با آگاهی، فرایند آموزشی را پیش ببرد و با توجه به مراحل آن، دستاوردهای هر مرحله و ابتکار عمل خود را بسنجد. ضمن اینکه این سنجش می‌تواند توسط دیگران هم انجام شود.

معلمان باید برتری فکری بعضی از دانش‌آموزان را بپذیرند. یک معلم خوب نباید در تدریس موضوع اصلی، پی‌درپی مرتکب اشتباه شود و در صورت بروز اشتباه، آن را صریح و منطقی بپذیرد. او نباید خود را مسئول دانستن همه سؤال‌ها بداند.

در بعضی موارد عدم حضور ذهن برای پاسخ به سؤال امری طبیعی است.

داناترین معلمان آنهایی هستند که در موقع لزوم برای گفتن «نمی‌دانم» آماده اند. با دانش‌آموز باید صادقانه رفتار کرد زیرا زمانی می‌رسد که مجبور خواهید شد اقرار کنید «نمی‌دانم».

در عین حال راهنمایی صحیح دانش‌آموز برای رجوع به افراد مطلع، دایرة المعارف و کتاب‌های دیگر ضروری به نظر می‌رسد.

و در پایان معلم نباید پیشنهادها و فکرهای جدید دانش‌آموزان را مورد انتقاد یا داوری عجولانه قرار دهد تا دانش‌آموزان بتوانند به راحتی عقاید و نظریات علمی خود را ابراز نمایند. عصبانیت و نگرانی در مقابل پاسخ بی‌ربط دانش‌آموزان بی‌مورد است. این کار باعث از بین رفتن استعدادها و نهانی آنها می‌شود.

مدیر مدرسه...!

حسین علی نژادان

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد



مدیر مدرسه از معروفترین کتابهای جلال آل احمد نویسنده معاصر ایرانی است. این رمان در سال ۱۳۳۷ برای نخستین بار چاپ شد. جلال که خود معلم بود، در این کتاب به نیکی به بیان مشکلات اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) در دوران حکومت پهلوی پرداخته است. راوی داستان در این رمان آموزگاریست که از «معلمی» به تنگ آمده است و برای آسودگی و درآمد بیشتر به مدیریت مدرسه روی آورده، بی آنکه بداند چه دردسرهایی پیش روی او خواهد بود. در متن این کتاب می خوانید: از در که وارد می شدند، چنان هجومی به گوشه های سالون می بردند که نگو! به جاهای دور از نظر. انگار پناهگاهی می جستند. و ترسان و لرزان؛ یک بار چنان بودند که احساس کردم اصلاً مثل این که از ترس لذت می برند. خودشان را به ترسیدن تشجیع می کردند؛ بسیار نادر بودند آنهایی که روی اولین صندلی می نشستند و کتاب هاشان را به دست خودشان به کناری می گذاشتند. اگر معلم هم نبود یا مدیر، به راحتی می توانستی حدس بزنی که کی ها با هم قرار و مداری دارند و کدام یکی پهلوی دست کدام یک خواهند نشست. از هم کمک می گرفتند، به هم پناه می بردند؛ در سایه همدیگر مخفی می شدند؛ یک دقیقه دیرتر دفتر و کتابشان را از خودشان جدا می کردند! مگر می توان تنها تک و تنها با امتحان روبرو شد؟ یکی دو بار کوشیدم بالای دست یکی شان بایستم و بینم چه می نویسد. ولی چنان مضطرب می شدند و دستشان چنان به لرزه می افتاد که از نوشتن باز می ماندند و تازه چه خطی؟ چه خطهایی! بی خود نیست که تمام اداره ها محتاج ماشین نویسند؛ نمی دانم پس این معلم خطشان چه می کرد؟

گرچه تقصیر او هم نبود اما می شد حدس زد که قلم خودنویسهای یک تومانی هم در این قضیه بی تقصیر نیستند. گردن می کشیدند تا از روی دست هم ببینند؛ خودشان را فراموش می کردند تا چه رسد به محفوظاتشان! حتی اگر جواب سوال را هم می دانستند باز در می ماندند. یادشان می رفت یا شک می کردند. تازه سوال امتحان چه بود؟ سه گاو جمعاً روزی فلان قدر شیر می دهند، اولی دو برابر دومی و دومی یک و نیم برابر سومی؛ معین کنید هر کدام روزی چقدر شیر می دهند. یا وظایف کودکان نسبت به پدر و مادر. یا روده های چین و ازین اباطیل. و چه وحشتی! می دیدم که این مردان آینده، درین کلاس ها و امتحانها آنقدر خواهند ترسید و مغزها و اعصابشان را آنقدر به وحشت خواهند انداخت که وقتی دیپلمه بشوند یا لیسانسه، اصلاً آدم نوع جدیدی خواهند شد. آدمی انباشته از وحشت! انبانی از ترس و دلهره.



یکی از ویژگی‌های مهم حیات اجتماعی عصر ما رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها وسایل فیزیکی یا مکانیکی برای تبدیل پیام‌ها به علائم و انتقال آنها از طریق مجاری ارتباطی و کانال‌ها به مخاطبان در جامعه هستند. با جرأت می‌توان گفت که کمتر وسیله‌ای مانند رسانه دارای اثرگذاری گسترده در سطح جامعه است. چهار وظیفه به عهده رسانه‌ها گذاشته شده که یکی از آنها آموزش است.

وسایل ارتباط جمعی و آموزش: یکی از ابزارهای مؤثر آموزش در همه جوامع رسانه‌ها هستند. توانایی رسانه‌ها به حدی است که بخشی

از مراکز آموزشی تا سطح تحصیلات عالی از این وسایل برای آموزش استفاده می‌کنند. با ارائه آموزش از طریق رسانه‌ها می‌توان در جامعه، رفتاری شناخته شده را ایجاد و رفتار مطلوب فراموش شده را به طور مجدد بازآفرینی کرد.

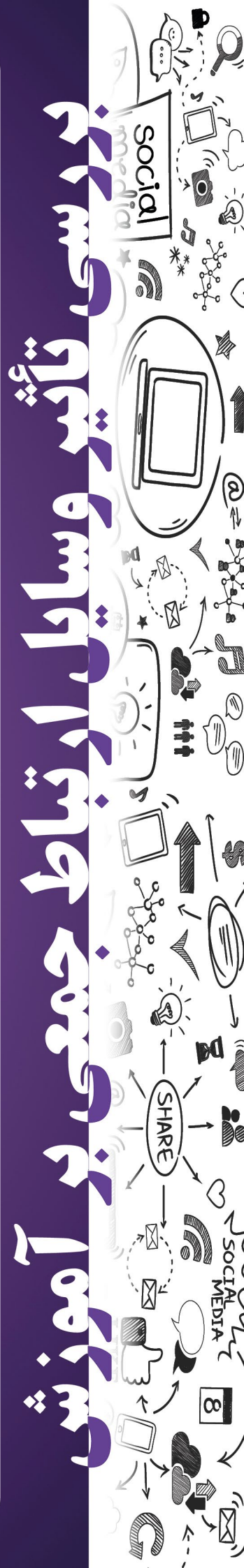
آموزش مستقیم: استفاده از وسایل ارتباط جمعی، تأثیر گوناگونی بر زندگی بشر گذاشته و منجر به ظهور برخی تحولات در روابط و مناسبات انسانی شده است. در بسیاری از کشورها برنامه‌ریزی‌هایی در بخش آموزش و پرورش با استفاده از اثر آموزش فناوری‌های جدید، برنامه درسی خاصی طراحی و تعریف می‌شود که به اجرای فرآیند یادگیری و یاددهی کمک می‌کند.

یادگیری به کمک رایانه: استفاده از رایانه یکی از روش‌های آموزش مستقیم است که می‌تواند مهارت‌های کاربردی را در زمینه موضوع درسی از طریق شبیه‌سازی، اکتشاف، بازی، تمرین و ممارست و انجام دادن فعالیت‌های خلاق از طریق نرم‌افزارهای رایانه‌ای ارتقا ببخشد. کلید موفقیت در این زمینه، به کارگیری نرم‌افزارهای مناسب با کیفیت مطلوب و مرتبط با نیاز فراگیران هست. آموزش به کمک رایانه وقتی مکمل آموزش کلاسی باشد، اثر بخش‌تر است. همچنین کاربرد آن در سطح پیش از دانشگاه به ویژه در دبستان مناسب‌تر از دانشگاه است.

یادگیری به کمک تلویزیون و فیلم‌های آموزشی: شبکه‌های تلویزیونی از نوع آموزش مستقیم بوده اند. در این شبکه‌ها تهیه‌کنندگان برنامه‌ها بر اساس طرح درس و محتوای آموزش، برنامه‌های متنوع تصویری را ساخته و فیلم‌ها جنبه کاربردی و آموزشی برای فراگیران دارد. در سراسر دنیا افراد با استفاده از فیلم و نوارهای آموزشی بر شناخت خود افزوده اند. البته باید دانست که رسانه‌های آموزشی به خودی خود در افزایش یادگیری دانشجویان تأثیری ندارند.

رسانه‌ها و آموزش غیرمستقیم: آموزش غیرمستقیم برخلاف آموزش مستقیم محتوای آموزش را در متن یک فیلم یا مطلب مندرج در یک رسانه دیداری و یا طرح در یک برنامه تلویزیونی ارائه می‌دهد. این آموزش بدون توجه مستقیم مخاطب انجام می‌گیرد. یکی از معایب رسانه‌های جمعی، پرخاشگری است که هم به وسیله تلویزیون و فیلم اتفاق می‌افتد و هم به وسیله بازی‌های رایانه‌ای و یکی از مهمترین دلایل آن، نمایش خشونت در تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای است. تماشای زیاد فیلم‌های خشن و انجام بازی‌های اینگونه، این فرصت را در اختیار افراد قرار می‌دهد تا رفتارهای پرخاشگرانه را بیاموزند. یکی دانستن خود با شخصیت‌های مختلف برنامه‌های تلویزیونی و بازی‌های رایانه‌ای خشن بینندگان را تحریک می‌کند که رفتارهای آن را مثل یک مدل تقلید کنند. اما راهکار چیست؟

نظریه کنش و واکنش در روانشناسی اجتماعی متعقد است که ممنوع و سانسورکردن محصول، نتیجه منفی دارد. بنابراین پیشنهاد این است که با توسعه فیلم و بازی‌های رایانه‌ای صلح‌آمیز در پی یافتن راه حل اصلی باشند. دلیل آوردن این عیب در اینجا این بود که مشخص شود هر فیلم و یا بازی که توسط رسانه‌ها منتشر می‌شود قابلیت یادگیری و یاددهی ندارد.





مسعود هاشمی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد

هیجان چیست؟

هیجان یک حالت عاطفی کوتاه مدت و زودگذر است که در اثر یک موقعیت بیرونی در فرد ایجاد می شود. هیجان در بدن باعث یک بازتاب فیزیولوژیک می شود و تأثیراتی مستقیم بر تفکر و در نهایت رفتار فرد ایجاد می کند؛ اما ما قادر به مدیریت هیجان و کنترل رفتار خود هستیم.

هیجان ها پاسخ های به نسبت کلی و ساده ای هستند که بدن ما به محرک های بیرونی و درونی نشان می دهد. این پاسخ ها ناپایدار و به طور معمول آنی هستند و با تغییرات فیزیولوژیک و یک حالت عاطفی خوشایند یا ناخوشایند مثل غم، شادی، خشم، ترس، تعجب، بیزاری و چشده همراه اند.

عواملی که منجر به ناتوانی در مدیریت هیجانات می شود عبارتند از:

۱. اختلالات سازگاری:

اختلال سازگاری یک واکنش بیمارگونه در مقابل چیزی است که شخص عادی ممکن است آن را (بدشانسی) بنامد.

۲. اختلال نقص توجه و بیش فعالی:

این اختلال با فقدان توجه، فعالیت بیش از حد، رفتارهای تکانشی یا ترکیبی از این موارد همراه است.

۳. اختلال نافرمانی مقابله ای:

یک الگوی خلق عصبی تحریک پذیر، رفتار مجادله مقابله ای یا تلافی جویانه است. نسبت به افراد یا حیوانات پرخاشگر هستند، اموال را تخریب کرده و الگوی دزدی یا فریب را پیش رو می گیرد.

۴. اختلالات طیف اوتیسم:

نوعی اختلال رشد است. این اختلال شامل نقص در تعامل و برقراری روابط اجتماعی، مشکل در پردازش ادراک و رفتارهای تکراری می شود. اصطلاح «طیف» بازتاب دهنده این حقیقت است که علائم در بین افراد مختلف متفاوت است و انواع و شدت متغیری دارد.



راه‌های مدیریت هیجانات:

سعی کنید هیجاناتتان را بشناسید، به هیجانات خود اجازه ابراز بدهید، گاهی احساسات خود را یادداشت کنید، فنون کنترل هیجانات منفی را بیاموزید، آشنایی با هیجانات مختلف، توانایی اسم‌گذاشتن روی هیجانات و تفکیک آنها از یکدیگر، بیان احساس و هیجان تجربه شده در هر موقعیت.

هیجانات خود را بلافاصله ابراز نکنیم (به ویژه هیجانات منفی)، فضایی مناسب ایجاد کنیم تا بتوانیم به گفت‌وگو بپردازیم. به خودتان زمان بدهید تا با کمی فکر و تأمل، واکنشی که خود ایده‌آل‌تان در موقعیت نشان می‌داد را پیدا کنید، به کارهای مورد علاقه خودتان مشغول شوید، در حالت‌های هیجانی شدید بحث نکنیم و تصمیم مهمی نگیریم؛ چون منطق ما چندان فعال نیست.

روش‌های فوری برای مدیریت هیجانات:

۱. نفس عمیق‌تر

۲. موقعیت خواندن یک جمله

۳. تلقین برخی عبارات

بنابراین مدیریت هیجان‌ها به معنی مدیریت آگاهانه، هشیارانه و خلاقانه آنهاست. مدیریت هیجان‌ها، مستلزم آگاهی از وجود، ظهور، حضور و نقش‌آفرینی آنهاست. به عبارت دیگر، بدون آگاهی از هیجان‌ها، نمی‌توان به مدیریت آنها پرداخت. مدیریت هیجان‌ها فقط شامل هیجان‌های منفی مانند خشم، غم و ناامیدی نیست؛ بلکه هیجان‌های مثبت از قبیل شادی را نیز در بر می‌گیرد.



اندر اعوالا شبر

شهرمان خوب و قشنگ است، شما بدبینید
غیر صد ضعف مگر چیز بدی می بینید؟!
توی پارکش اگر از دود نمیری عالیست
یک حصیری ببرید و به چمن بنشینید

در خیابان که نگویم که چه عشقی برپاست
غیر بوقی که همه شهر ز دستش غوغاست
جز ترافیک که بابای مرا در آورد
شهر، دیگر همه اش خوب و ناز و زیباست!

توی مترو همه دم بوی بدی می دیدم
خواستم گرچه تذکر بدهم، ترسیدم
ماسک باعث شده تا بنده دلم خوش بشود
بس که از بوی دهان دگران رنجیدم

اندر این شهر که دعوا و کتک می بینی
لگد از پشت و یا ضربه به فک می بینی
بر لب پنجره بنشین گذر عمر ببین
بر لب جوی فقط پوست پفک می بینی!

به! که همسایه ما خوب و قشنگ است و عزیز
همه چیزش سر جا، مثل همین نعره تیز
هر دوساعت به یکی نعره از آن خانه رسد
دو سه تا فحش به آن لهجه شیرین و غلیظ

پشت در گوش به زنگ آمده، من خسته شدم
باز همسایه به جنگ آمده، من خسته شدم
باقی قصه به دوش خودتان می افتد
نه که این قافیه تنگ آمده، من خسته شدم!

علی بابائی

دانشجوی علوم تربیتی مرکز شهید آیت نجف آباد





چشم
زیادند
انسان‌های که در
کوچم‌ها فراموش
گام بر مهر دارند و از یاد
مهربندی رنگ و بوی محبت
را که در سر دست زیستن را به آنها
آموخت.

و چشم خوب است که برابر بادآورده اثر در تقویم
دل‌ها روزی را به آنها تقدیم کنیم.

که بر شک آسمان روز به‌یستری‌ترین روز است و فاهش اردیبه‌یستری.

و با افتخار پی‌شکس می‌شود به کسانی که عاشقان عشق ورزیدند و دست‌های مهرشان را هیچگاه از فادریغ
نگردند و معلم را نه یک شغل، بلکه عشق خود می‌دانند و عاشقان هوایش را دارند.

چرا که به راستی می‌دانند:

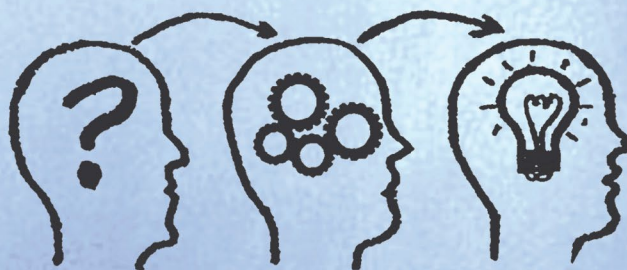
عشق با دانش پست نمی‌شود
عشق با دانش پست نمی‌شود
هر که عاشق شد معلم می‌شود

«روزنامه مبارک عاشقان سرزمینم»

حسین جعفری محمدآبادی



برای شنیدن فایل
صوتی این مطلب، روی
کد بالا کلیک کنید.



در تعلیم و تربیت باید مجال فکر کردن به دانش آموز داده شود و او به فکر کردن ترغیب شود.

شهید مرتضی مطهری

